

تأثیر کنش‌های ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

افشین متقی، هادی درستکاری، آرش قربانی سپهر^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

چکیده:

پژوهش حاضر این است که چه ارتباطی بین کنش‌های ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی از نظر تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بر محیط امنیتی ج.ا.ایران وجود دارد؟ روش این پژوهش (آمیخته) است و از نرم افزار MICMAC استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد ۵ چالش به عنوان تأثیرگذارترین عامل بر محیط امنیتی ج.ا.ایران شناسایی شده‌اند که بر حسب ماتریس اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم می‌توان گفت که شاخص A10 (ایجاد موازنه قدرت در برابر قدرت رو به رشد جمهوری اسلامی ایران) در رتبه اول تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A8 (همراهی امارات با سیاست‌های بین‌المللی آمریکا در منطقه و فشار حداکثری بر ج.ا.ایران) در رتبه دوم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A9 (تلاش برای مهار تفکر انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ و گسترش محور مقاومت) در رتبه سوم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A4 (برگزاری مانورها و رزمایش‌های جنگی با رژیم صهیونیستی) در رتبه چهارم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A6 (تقویت روابط نظامی-صنعتی با برخی از شرکای مدیترانه‌ای) در رتبه پنجم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است.

واژگان اصلی: جمهوری اسلامی ایران، امارات متحده عربی، کنش ژئوپلیتیکی، محیط امنیتی، آینده پژوهی.

۱- مقدمه

در مطالعات امنیت ملی، محیط امنیتی با شرایط و مختصات خاص خود یکی از عناصر کلیدی و مؤلفه‌های تجمعی در شناسایی دیگر مسائل امنیتی محسوب شده و شناخت و کسب برآورد کامل از ابعاد و زوایای آن سهم بزرگی در روند تجزیه و تحلیل وقایع و اشراف بر رخدادهای متنوع و با ارزش مکانی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایفاء می‌کند. محیط امنیتی هر کشوری تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت و...) و محیط خارجی (ساختار قدرت، نظم یا بی‌نظمی جهانی، فناوری، مسابقه تسلیحاتی و موقعیت ژئوپلیتیکی ژئواستراتژیکی) است. چنین محیط امنیتی همواره حامل تهدیدها و فرصتهایی است که واحدهای ملی به میزان موقعیت و منزلتشان از آن بهره می‌برند. جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، انباشت قدرت ملی، کیفیت و کمیت مردم، نوع رهبری و سایر عوامل قدرت در تعیین مرزها و چگونگی محیط امنیتی تأثیر مستقیم دارند (امینیان، ۱۳۹۰: ۶). محیط امنیتی یک بازیگر ورودی و نهاده نظام سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی آن محسوب می‌شود. این ورودی در فراگرد ادراک محیطی و دریافتی که رهبران تصمیم‌گیر از داده‌های محیط امنیتی دارند، پردازش شده و خروجی آن در قالب کنش‌ها و تصمیمات شناخته‌شده‌ای همچون دکترین امنیتی، سیاست امنیتی، راهبرد امنیتی و رویکردهای سیاست خارجی و امنیتی بروز و ظهور می‌یابد (آقایی و نورعلی‌وند، ۱۳۹۸: ۳). به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد کلید درک تحولات امنیتی در گرو درک تغییراتی است که در محیط امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه رخ داده است.

از سویی، هر بازیگر بایستی در قبال تحولات محیط امنیتی خود دارای خط‌مشی امنیتی بوده و بر مبنای اصول حاکم بر خط‌مشی نسبت به پیگیری اهداف و منافع کشور اقدام نماید. پژوهشگر خط‌مشی با کنار هم قرار دادن رفتارها و اقدامات مختلف دولت در سطوح مختلف، نشان می‌دهد که دولت در عمل خط‌مشی را پیش گرفته است یا خیر و چنین مطالعه خط‌مشی بسیار برای دولت‌ها سودمند است و به آنها کمک می‌کند که خود را اصلاح کنند. در بررسی خط‌مشی سایر کشورها هم این تلقی از خط‌مشی و این روش مطالعه بسیار کارآمد است، زیرا به تحلیل‌گران این امکان را می‌دهد که منطقی عملی حکومت را ورای مواضع دیپلماتیک آن فهمیده و بتوانند اقدامات و رفتارهای آن کشور را پیش‌بینی کنند و موضع مناسب را تدارک ببینند. از موضع یک خط‌مشی-گذار یا یک تحلیل‌گر خط‌مشی، خط‌مشی مجموعه‌ای از تصمیمات یا اقدامات است، نه فقط منطق کلی انتزاعی (سوداگر و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰۸).

خلیج فارس از مهم‌ترین مناطق جهان از منظر ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک محسوب می‌شود. لذا، حفظ امنیت این حوزه نه تنها برای نظام‌های سیاسی کشورهای عربی پیرامون خلیج فارس امر حیاتی است بلکه به شدت بر ایجاد ثبات و یا بی‌ثبات‌سازی امنیت نظام بین‌الملل تأثیرگذار خواهد بود. امنیت منطقه خلیج فارس نیز علاوه بر ابعاد منطقه‌ای دارای اهمیت و ابعاد بین‌المللی است. به عبارت دیگر امنیت خلیج فارس را می‌توان در کانون امنیت بین‌المللی محسوب کرد و اضافه بر مسائلی مانند امنیت انرژی، مسائل جدیدی مانند تروریسم پیوند امنیت این منطقه با امنیت جهانی را افزایش داده است. بر این پایه، یکی از مؤثرترین مؤلفه‌هایی که بر امنیت این منطقه تأثیرگذار است، ترکیب نظام‌های سیاسی است که در این منطقه حضور دارند و همین مسأله نه تنها موجب شکل‌گیری نوع نگاه متفاوت هر یک از این نظام‌های سیاسی به تأمین امنیت منطقه خواهد شد بلکه با تأثیرگذاری بر عملکرد هر یک از این نظام‌های سیاسی جهت تأمین امنیت منطقه، شرایط بروز بی‌ثباتی و ناامنی را در منطقه به وجود خواهد آورد. لذا عملکرد نظام‌های سیاسی حوزه خلیج فارس موجب شکل‌گیری یک گسل امنیتی در منطقه شده است. گسلی که منجر به بروز ناپایداری در نظام‌های اجتماعی کشورهای حوزه خلیج فارس شده است.

چندین سال بود که رژیم صهیونیستی و بسیاری از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مناسبات دوستانه‌ای به صورت پنهان با یکدیگر داشتند. به طوری که در سال ۲۰۱۵، «سفیر دور گلد» مذاکره با سرلشکر سعودی «انور اشکی» را آغاز کرد و آنها به‌طور منظم در رم دیدار می‌کردند. از این رو، طی پنج سال گذشته، رژیم صهیونیستی توانسته است با هر قدرت عربی ارتباط برقرار کند (Rehman, 2020: 74). تمایل به انجام این کار آن هم عادی‌سازی مناسبات میان کشورهای حوزه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی موضوعی تازه بوده است. پس از سفر رسمی نتانیاهاو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در ماه اکتبر به عمان، که اولین بار برای یک رئیس دولت اسرائیل از سال ۱۹۹۶ بود، وی صریحاً در تلاش برای گسترش این موضوع از طریق بهبود روابط با سایر کشورها، از جمله بحرین در سال ۱۹۷۹ بود (Keer & Mehul, 2018: 1).

همچنین اولین کشور عربی که با رژیم صهیونیستی پیمان صلح بست مصر بود و اردن نیز در سال ۱۹۹۴ به دنبال آن روابط دوستانه برقرار کرد. امارات متحده عربی سومین کشور عربی بود که با رژیم صهیونیستی روابط دیپلماتیک دوستانه داشت و بحرین چهارمین کشور شد. به نظر می‌رسد آخرین معاهدات امارات متحده عربی و بحرین در قالب توافق آبراهام با رژیم صهیونیستی اقدامی

چالش برانگیز دیپلماتیک است (Harkov, 2020: 3). به هر روی، جمهوری اسلامی ایران در فضای ژئوپلیتیک تهدید قرار دارد و تهدیدات فراروی کشور بسیار متنوع و پیچیده است. بخشی از تهدیدات فراروی ج.ا.ایران، تهدیدات ژئوپلیتیکی مبتنی بر مثلث بحران است که یک ضلع آن تحولات حوزه شرقی کشور، ضلع دوم تحولات شمال و شمال غرب کشور و ضلع دیگر تحولات مربوط به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است که در هر ضلع نیروهای منطقه‌ای و فرماندهی‌های نیز بر تحولات تأثیرگذار هستند. از جمله اهداف تهدیدات مذکور، خنثی‌سازی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران از طریق اجرای پروژه‌های سیاسی، امنیتی، جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی نظیر «توافق آبراهام»، «ترانس خزر»، «تاپی» و خطوط انتقال انرژی در مناطق مختلف است؛ بنابراین، تحقیق حاضر به تأثیرگذاری کنش‌های ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی بر محیط امنیتی ج.ا.ایران می‌پردازد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مجموعه امنیتی منطقه‌ای

با فروپاشی دیوار برلین و پایان جنگ سرد موجی از خوش‌بینی سراسر دنیا را فرا گرفت. به نظر می‌رسد که دست کم برای مدت کوتاهی دلایلی برای ایجاد این خوشبینی وجود داشت و حتی از نظر فرانسیس فوکویاما اثاریخ به پایان خود رسیده بود. پس از این دوره کوتاه مدت خوشبینی، تلاش جدیدی برای ایجاد هژمونی سیاسی آغاز شد. در این فرآیند دو موضوع رخ داد: نخست گسترش امنیت ملی که با خود مفاهیمی چون امنیت‌سازی، مجموعه‌های امنیتی و بازیگران این مجموعه‌ها را به همراه آورد. دوم زایش بحث‌های جهانی شدن، موضوعات زیست محیطی و توسعه پایدار که همگی از نشانه‌های برجسته این دوره به حساب می‌آیند، افزایش جنبش‌های زیست محیطی مفهوم امنیت را گسترده تر کرد (Turton, 2001: 1-7).

در این میان، باری بوزان در سال ۱۹۹۱ یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را به صورت یک

1. Francis Fukuyama
2. Securitization
3. Security complexes
4. Securitizing actors
5. Barry Buzan
6. Regional Security Complexes (RSC)

دسته از کشورها با شبکه‌ای از روابط امنیتی و مهم که تضمین می‌کند، اعضاء دارای سطح بالایی از وابستگی متقابل امنیتی هستند توصیف می‌کند، یک گروه از کشورها که نگرانی‌های امنیتی اولیه و اصلی آن‌ها به اندازه‌ای به یکدیگر وابسته است که در واقع تصور امنیت ملی آنها به صورت متمایز از یکدیگر ممکن نیست؛ بنابراین، عنصر مرکزی و محوری در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای روابط امنیتی آن و مؤلفه‌های وابستگی متقابل است که به امنیت مربوط می‌شود. بوزان همچنین این مجموعه‌ها را بر حسب عامل جغرافیا، شناسایی و تعیین می‌کند. اعضای مجموعه امنیتی منطقه‌ای به نظر بوزان، در داخل یک ناحیه جغرافیایی مشخص و معینی قرار گرفته‌اند اگرچه مرزهای آن ممکن است کدر و مبهم باشد (Morgan, 1997: 31). مجموعه امنیتی پیشنهاد شده از سوی بوزان در واقع مجموعه‌ای واحد از کشورها است که فرایند امنیت‌سازی و ناامن‌سازی یا هر دو، برای این گروه از کشورها در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر هستند و مشکلات امنیتی آنها نمی‌تواند جدا از دیگری به طور منطقی تحلیل یا برطرف شود. در این نگاه، امنیت‌سازی شامل دفع تهدید در هر یک از بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است که اثرات سیاسی پایداری را به وجود می‌آورد (Turton, 2001: 2-4). به عبارت دیگر، مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌تواند به‌عنوان یک گروهی از تنگناهای امنیتی متمرکز در یک منطقه جغرافیایی خاص نگرین‌سته شود که ادراکات مربوط به تهدیدات اساسی به وسیله کشورها (یا سایر بازیگران) به میزان زیادی در آن پیوند خورده و چنان امنیت قدرتمندی بر اساس وابستگی متقابل را به وجود آورده‌اند که امنیت هر یک از آن‌ها نمی‌تواند از امنیت سایر دولت‌ها و بازیگران در مجموعه جدا باشد. دو مؤلفه با پویایی و دینامیک متفاوت مجموعه امنیتی را تعریف می‌کنند. توزیع قدرت بین کشورها در یک منطقه جغرافیایی خاص و الگوی تاریخی (روابط) براساس حسن تفاهم و خصومت بین کشورها (Buzan, 1991: 189-194). مجموعه‌های امنیتی ناشی از پدیده‌ای است که لیک آن را «عوامل خارجی امنیتی» می‌نامد. یعنی موقعیت‌ها یا عواملی که خارج از یک کشور ناشی شده و امنیت منطقه‌ای یا ملی را تهدید می‌کنند. بعضی از عوامل امنیتی تنها مرتبط و مناسب سطح زیرمنطقه‌ای هستند، ولی برخی دیگر کل منطقه را در بر گرفته و موجب تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای می‌گردند (Keller, 1997: 297). کاسکی نیز در خصوص تکوین و شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای استدلال می‌کند که گرچه همسایگی جغرافیایی لزوماً عامل ایجاد نوعی وابستگی بین همسایه‌ها برای به وجود آمدن یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای نیست، اما

نزدیکی جغرافیایی در به وجود آمدن این نوع مجموعه‌ها مهم است (Hobderrn & Jones, 2001: 36).

۲-۲- محیط امنیتی ۱

محیط امنیتی مجموعه عوامل محاط کننده عینی - جغرافیایی، ذهنی - روانی و انسانی - غیرانسانی ملموس و ناملموسی است که به علت تغییر و پویایی مداوم، بر ساختار، اهداف، اولویت‌ها، استراتژی‌ها و تصمیم‌های کنشگران امنیتی دولتی و غیردولتی تأثیر گذاشته و از آنها تأثیر پذیرفته و از رهگذر چنین برهم‌کنشی تهدیدها و فرصت‌های امنیتی جدیدی را پیش روی این کنشگران قرار داده و آنها را در معرض انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های جدید به منظور به حداقل رساندن تهدیدها و بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها قرار می‌دهد (آقایی و نورعلی‌وند، ۱۳۹۸: ۷؛ افتخاری، ۱۳۸۷: ۵۲).

۲-۳- نظریه موازنه قدرت

موازنه قدرت همواره یکی از دغدغه‌های اصلی نظریه پردازان در روابط بین‌الملل بوده است. در تمامی ادبیات کلاسیک موضوعاتی از جمله: منازعه، جنگ، همکاری و ائتلاف بر مبنای جلوه‌ای از موازنه قدرت شکل گرفته است. در قرن ۱۹ موازنه قدرت بین قدرت‌های بزرگ انجام می‌گرفت. این روند تا زمان شکل‌گیری ساختار دو قطبی ادامه یافت. در دوران پس از جنگ سرد، موازنه قدرت در دو سطح جهانی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. تغییر در ماهیت سیاست بین‌الملل منجر به شکل‌گیری گزینه‌های مختلفی در عرصه موازنه قدرت شده است. موازنه منطقه‌ای یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های سیاست قدرت در دوران پس از جنگ سرد محسوب می‌شود. از آنجا که هر گاه موازنه قدرت دچار دگرگونی شود، زمینه برای شکل‌گیری منازعه و جنگ به وجود می‌آید (مصلى نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۳۳).

کنت والتز، بنیان‌های واقع‌گرایی ساختاری را بر نظریه موازنه قدرت بنا می‌کند. وی اظهار می‌دارد که سیاست بین‌الملل در نظامی عمل می‌نماید که شاخص اصلی آن آنارشی بوده، هیچ قدرت فراملی در آن وجود ندارد و قدرت هدف نهایی محسوب می‌شود. هر کشوری در وضعیت طبیعی هابزی به سر می‌برد که در جریان رقابت برای بقاء تحت فشارهای فوق‌العاده قرار دارد. این

(Security environment .

فشارها موجب شکل‌گیری انواع متفاوتی از رفتارها در میان بازیگران می‌گردد؛ از یک طرف بازیگران نظام بین‌الملل را مجبور می‌سازد تا از رفتارهای موفق‌ترین بازیگران الگوبرداری نمایند که این امر به ایجاد واحدهای یکسان و همزیستی میان بازیگران می‌گردد و از طرف دیگر افزایش سریع قدرت یک بازیگر باعث تحریک سایر بازیگران برای افزایش قدرت خود و در صورت عدم کفایت، موجب ایجاد اتحاد میان آنها برای جلوگیری از ظهور هژمون بالقوه می‌گردد و زمانی که موازنه قدرت برقرار شد جبهه طلبی هژمونیک از میان می‌رود؛ بنابراین، در وضعیت آنارشیک نظام بین‌المللی، موازنه قدرت همچون دست نامرئی آدام اسمیت در بازار عمل می‌کند (سازمند و همکاران، ۲۵۶:۱۳۸۹). نظریه موازنه قدرت والتز فرض را بر این قرار می‌دهد که کشورها بیشتر تمایل دارند رفتارهای مبتنی بر موازنه را اتخاذ نمایند تا استراتژی‌های دنباله روی را، و پدیده ایجاد موازنه کشورها در برابر سایرین، در واقع جنبه منحصر به فرد نظام آنارشیک بین‌المللی است. وی می‌گوید: «بازیگران درجه دوم اگر در انتخاب خود آزاد باشند به سمت طرف ضعیف‌تر متمایل می‌شوند. والتز با اطمینان می‌گوید «سیاست موازنه قدرت هر زمانی که دو پیش شرط وجود داشته باشد حکم فرما خواهد بود: یکی اینکه نظم نظام، آنارشیک باشد و دیگری اینکه نظام پراز واحدهایی باشد که به دنبال بقا باشند (Waltz, 1979: 121-127).

۴-۲- نظریه موازنه تهدید

استفان والت پیشگام نظریه نئورئالیسم تدافعی نقطه تمرکز واقع‌گرایی خود را از مفهوم «موازنه قوا» کنت والتز به سمت مفهوم جدیدی به عنوان «موازنه تهدید»² سوق می‌دهد. والت برخلاف تصور رایج بر این اعتقاد است که کشورها نه بر اساس اصل توازن قوا، بلکه بر اساس توازن تهدید عمل می‌کنند. یعنی آنها نه در برابر قدرت بلکه در برابر تهدید دست به توازن می‌زنند؛ بنابراین، توازن منطقه‌ای، صرفاً از طریق توازن تهدید ایجاد می‌شود. بر این اساس تهدید ناشی از کنش بازیگر گریز از مرکز را می‌توان شرط اصلی ائتلاف‌سازی و توازن تهدید دانست. به عبارت دیگر آنچه در روابط بین دولت‌ها از اهمیت برخوردار است، برداشت دولت‌ها از یکدیگر به‌عنوان تهدید است و نه صرفاً مقدار قدرت هر یک از آنها؛ بنابراین، دولت‌ها در برابر دولت‌هایی که موجودیت یا منافع آنها را تهدید می‌کنند، دست به موازنه می‌زنند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۵). به اعتقاد والت، تهدید و نه قدرت در کانون نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها قرار دارد و بر این مبنا، دولت‌ها لزوماً از قدرتمندترین دولت در هراس نیستند، بلکه از دولتی می‌ترسند که بیشتر از سایرین

تهدیدآمیز باشد (Walt, 1988: 21-27)؛ بنابراین، کشورها به دنبال موازنه در برابر قدرت تمامی بازیگران در حوزه‌های منطقه‌ای مختلف نیستند، بلکه صرفاً در برابر کشورهای تهدیدکننده اقدام به موازنه می‌کنند تا امنیت و ثبات ایجاد شود (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۷). بر اساس دیدگاه والت در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری موازنه در مقابل قدرت یا قدرت‌های برتر علاوه بر متغیر «قدرت (توانایی) متراکم»، سه متغیر دیگر یعنی «مجاورت جغرافیایی»، «قابلیت‌های تهاجمی» و «نیت‌های تهاجمی» نیز اثرگذار است. مؤلفه‌های ذکر شده متغیرهای مستقلی می‌باشند که ایجاد تغییر در یکی از آنها، سایر دولت‌ها را به احتمال فراوان به سوی احساس و درک تهدید و نتیجتاً اقدامات موازنه ساز می‌کشانند (لیتل، 1398: ۳۳-۳۱). بنابراین، به هر میزان که وزن متغیرهای چهارگانه فوق بیشتر باشد، دولت‌هایی که بیشتر از سایرین خود را در معرض تهدید زود هنگام می‌بینند بیشتر به سمت برقراری توازن تهدید حرکت کرده و تلاش می‌کنند با ایجاد ائتلاف با سایر دولت‌ها به موازنه سازی در برابر قدرت تهدیدزا بپردازند (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۷). در چنین شرایطی حتی اگر ایجاد اتحاد و ائتلاف جهت موازنه با قدرت تهدیدکننده میسر نباشد، دولت‌های تهدیدشونده تلاش می‌کنند به شیوه‌های دیگری مانند تجاوز نظامی مستقیم و یا اهرم‌های اقتصادی به مقابله با قدرت تهدیدزا بپردازند (Zakaria, 2003: 69)؛ والت نظریه خود را دربارهٔ تشکیل اتحادها در خاورمیانه به کار می‌برد و چنین نتیجه می‌گیرد که موازنه‌سازی علیه قدرت، امری رایج و عمومی نیست. اما موازنه‌سازی علیه تهدید در این سیستم فرعی منطقه‌ای امری متداولتر است (Paul et al, 2004: 8). چنانچه نظریه موازنه تهدید بر توزیع تهدید در یک نظام بین‌المللی (جهانی یا منطقه‌ای) تأکید می‌کند. بر اساس این نظریه، دولت‌هایی که با یک تهدید یا تهدیدهای مشترک مواجه هستند، با یکدیگر در مقابل آن متحد می‌گردند. پس در مطالعه اتحادها باید به دنبال یک دشمن مشترک گشت (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۹۲). برخی از مهم‌ترین مفروضات اتحاد عبارت اند از:

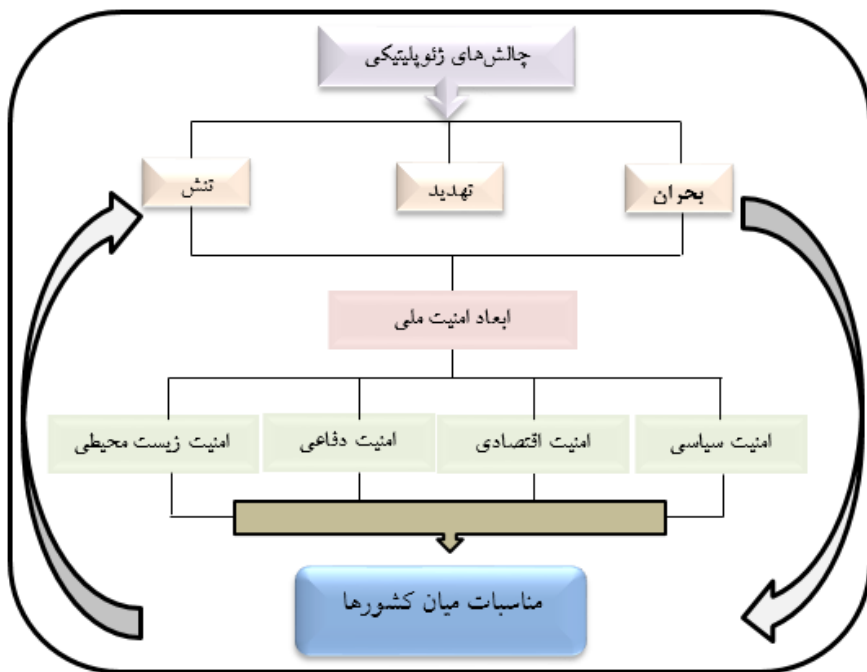
دولت‌ها در مقابل دولت‌هایی متحد می‌شوند که منشأ بیشترین تهدید هستند؛ بنابراین، دولت یا دولت‌های تهدید کننده لزوماً جزء قوی‌ترین دولت‌ها نیستند.

تهدید صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد، بلکه تصویری که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند مد نظر است.

به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود و نظام به هر اندازه تهدیدات خارجی شدیدتر

باشد، از لحاظ کارکردی انسجام بیشتری خواهد داشت.

افزون بر قدرت، ترکیبی از سایر عوامل نظیر توانایی‌های تهاجمی، قدرت «تهدید» والت نظامی، نزدیکی جغرافیایی و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی می‌داند. یکی از شرایط افزایش امنیت در نظام موازنه تهدید آن است که موازنه به وجود آمده به هنجارها تبدیل شود (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۸).



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

۳- پیشینه پژوهش

در جدول زیر به چند تحقیق که ارتباط تنگاتنگی با موضوع پژوهش دارند، اشاره می‌شود که می‌توانند در راستای انجام پژوهش راهگشا باشند.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

ردیف	پژوهشگران	عنوان و مکان چاپ	توضیحات
۱	مجید دهقانیان،	تبیین پیامدهای رابطه	روش این پژوهش کیفی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه

<p>ای و اسنادی می باشد. نتایج با در نظر گرفتن نظریه امنیت منطقه ای بوزان و ویور نشان می دهد، که عادی شدن تدریجی روابط سیاسی اعراب غرب آسیا با اسرائیل، تضعیف ایدئولوژی ضد اسرائیلی جمهوری اسلامی ایران، رصد اطلاعاتی کشور، تاثیر بر موازنه قوا در منطقه ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا از مهم ترین پیامدهای این ارتباط می باشد.</p>	<p>اسرائیل و امارات متحده عربی بر امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰ دوفصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر</p>	<p>بهادر زارعی، آرش قربانی سپهر</p>	
<p>نتیجه پژوهش نشان می دهد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به دنبال آن بودند که ایجاد ناآرمی ها در بحرین و جاهای دیگر در منطقه خلیج فارس را به دخالت عناصر بیگانه نسبت داده و از توجه و تمرکز به مسائل داخلی به عنوان دلایل اصلی نارضایتی سیاسی یا اعتراضات اقتصادی پرهیز کردند. بنابراین، مقامات رسمی در شورای همکاری خلیج - فارس، قیام در بحرین را به مداخله جویی ایران نسبت داده و هنگامی که اعتراضات در بین سنی های کویت در سال ۲۰۱۲ بالا گرفت، همچنین اعلام کردند که اخوان المسلمین به دنبال سرنگونی پادشاهی های عرب منطقه یکی پس از دیگری است و این اقدام را با کویت شروع کرده است. سیاست های جدایی طلبانه در فضای پس از تحولات بهار عربی به عنوان تنش بین ایران و عربستان سعودی افزایش یافته است و منازعه برای رهبری سیاسی در کشورهای در حال گذاری مانند مصر به طور فزاینده ای بین اسلام گرایان و طرفداران ارتش به عنوان نیروی مسلط در حال گسترش است. درست بر خلاف این پیش زمینه، آرزوی روابط نزدیک با اسرائیل توسط کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با عنایت به توانمندی های نظامی و امنیتی اسرائیل پس از ۲۰۱۱ مجدداً تقویت شده است، چرا که چشم انداز پس از تحولات بهار عربی فرصتی برای تقویت روابط غیررسمی در زمینه هایی که نگرانی ها و مسائل مشترکی بین اسرائیل و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد را فراهم آورده است.</p>	<p>ائتلاف عبری - عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۷ رساله دکتری دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی</p>	<p>۲ عبدالله سلطانیان</p>	

<p>روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده است. از زمان کشته شدن سلیمانی، دیپلماسی در خلیج فارس با سفر وزرای خارجه قطر و عمانی و همچنین امیر قطر به ایران و رهبران هر پایتخت از جمله ریاض و ابوظبی شدت یافته و اهمیت تنش را کاهش داده است. ۷۶ اثر مهارکننده نشان دادن تهدید و نگرانی ایران از واکنش ایالات متحده به دلیل آماده شدن رهبران منطقه‌ای برای شرکت در نمایشگاه جهانی دبی و اجلاس G-20 عربستان قابل لمس بوده و این احتمال را ایجاد می‌کند که ترتیبات امنیتی منطقه‌ای در آینده ایجاد شود در تعادل واقع‌بینانه پیش‌بینی قدرت. روندهایی که به تدریج در حال تغییر شکل روابط بین‌الملل خلیج فارس هستند، از دولت ترامپ آغاز نشده است، اما ممکن است فقط نتیجه‌ای ماندگار داشته باشد.</p>	<p>بازنگری در امنیت منطقه در خلیج فارس ۲۰۲۰ Center for the Middle East Journal</p>	<p>Kristian B Coates Ulrichsen</p>
---	--	------------------------------------

بررسی آثار مربوط به موضوع مقاله نشان دهنده جدید بودن آن است؛ هرچند که برخی منابع به روابط اعراب و اسرائیل اشاره کرده‌اند و از آنها در این بحث استفاده شده است، اما هیچ یک از منابع بالا به‌طور خاص به آینده پژوهی تأثیر کنش‌های ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران نپرداخته است.

۴- روش تحقیق

در چند دهه گذشته، شناخت روندهایی که آینده را می‌سازند به‌طور چشم‌گیری توسط مطالعات آینده پژوهی توسعه یافته است که این مطالعات طیف وسیعی از روش‌ها و تکنیک‌هایی که قابلیت کشف آنچه در پیش‌رو نهفته است را در قالب یک روش سامانمند، دقیق و جامع دربرمی‌گیرند. از طرفی شناخت دقیق‌تر وضعیت آینده نیز در گرو کاربست روشی مناسب برای کشف آینده است (صفایی‌پور و شنبه‌پور مادون، ۱۳۹۹: ۴). بر این بنیان، آینده پژوهی دانش تحلیل، طراحی و برپایی هوشمندانه آینده است، که به ما می‌آموزد در مواجهه با پدیده ناموجودی به نام آینده چگونه برخورد کنیم. آینده پژوهی در حقیقت دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده؛ به گونه‌ای آگاهانه، فعالانه و پیش‌دستانه و با مشخصه‌هایی همچون: تمرکز روی موضوعات بلندمدت، متعهد به نتایج و سیستماتیک بودن است. همانگونه که پژوهش‌های تاریخی (گذشته پژوهی) به دنبال شرح حوادث و اتفاق‌های گذشته و کشف دلایل رخ دادن آنها است، آینده پژوهی به دنبال درک نیروهای نهفته و خفته زمان حاضر و امکان رخدادهای آینده است (باباغبی

ازغندی، ۱۳۸۹: ۸۳).

این مقاله آمیخته از نوع تحقیقات (کمی - کیفی) می‌باشد. از این‌رو، در جهت پاسخ‌دهی به پرسش پژوهش، شاخص‌های آن به کمک مصاحبه چند مرحله‌ای با ۸ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران و پنل نخبگانی استخراج شده است و بر اساس تحلیل ساختاری پالایش شده است. ترسیم آینده بر اساس همین شاخص‌ها صورت گرفته است. لذا برای غربال‌سازی این شاخص‌ها از روش دلفی (Delphi) بهره گرفته شده است. تحلیل ساختاری در این پرسش به کمک نرم-افزار (MicMac) در جهت پالایش شاخص‌ها و متغیرها در راستای آینده‌نگاری صورت گرفته است که آینده ارائه شده نیز از نظر نوع‌شناسی، اکتشافی می‌باشد. در نهایت با شناسایی و استخراج مؤلفه‌های مرتبط و انتخاب اعضای پنل بر اساس تخصص، مؤلفه‌هایی که امتیاز لازم را کسب نکردند از پرسشنامه حذف شدند و پرسشنامه نهایی طراحی شده در قالب (عدد صفر؛ بی‌تأثیر)، (عدد یک؛ تأثیر کم)، (عدد دو؛ تأثیر متوسط)، (عدد سه؛ تأثیر زیاد)، در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار داده شد تا نسبت به هر مؤلفه امتیاز دهند. بر این اساس جامعه آماری این پژوهش ۳۰ کارشناس و متخصص خبره در مسئله مورد پژوهش است.

جدول ۲: اطلاعات توصیفی جامعه آماری

سن	تعداد	جنسیت	تعداد	مدرک تحصیلی	تعداد	رشته تحصیلی	تعداد
۲۰-۳۰	۹	مرد	۲۵	دانشجوی دکتری	۱۰	جغرافیا	۲۰
۳۰-۴۰	۱۰	زن	۵	دکتری	۱۷	اقتصاد	۲
۴۰-۵۰	۵	-	-	پسادکتری	۳	حقوق و علوم سیاسی	۵
۵۰-۶۰	۶	-	-	-	-	تاریخ	۳
جمع	۳۰	-	۳۰	-	۳۰	جمع	۳۰

۵- یافته‌های تحقیق

یافته‌های موجود نشان دهنده آن است که چالش‌های ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی بر محیط امنیتی ایران با توجه به روند گذار، تبدیل به یک موضوع دفاعی - امنیتی در مقیاس فراملی (منطقه‌ای) خواهد شد که نیاز است چالش‌های تأثیرگذار بر محیط امنیتی ج.ا.ایران شناسایی شود. از این‌رو، در جدول زیر چالش‌های ژئوپلیتیکی مشخص شده است.

جدول ۳: چالش‌های ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی بر محیط امنیتی ایران

د	ک	ر	متغیرها
1	A	۱	خرید سلاح‌های جنگی پیشرفته و افزایش توان نظامی امارات متحده
2	A	۲	ایجاد پایگاه‌های نظامی واگذاری پایگاه‌های نظامی به آمریکا و کشورهای غربی
3	A	۳	انعقاد پیمان‌های دفاعی متقابل برای تقویت روابط با کشورهای خاص
4	A	۴	برگزاری مانورها و رزمایش‌های جنگی با رژیم صهیونیستی
5	A	۵	ادعاهای واهی امارات در خصوص مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی و اختلافات ارضی امارات عربی متحده با ج.ا.ایران
6	A	۶	تقویت روابط نظامی - صنعتی با برخی از شرکای مدیترانه‌ای
7	A	۷	عامل عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی
8	A	۸	همراهی امارات با سیاست‌های بین‌المللی آمریکا در منطقه و فشار حداکثری بر ج.ا.ایران
9	A	۹	تلاش برای مهار تفکر انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ و گسترش محور مقاومت
10	A	۱۰	ایجاد موازنه قدرت در برابر قدرت رو به رشد جمهوری اسلامی ایران
11	A	۱	دستیابی به نیروی هوایی پیشرفته و جنگ‌دیده
12	A	۱ ۲	حرکت به سوی استفاده از سامانه‌ها و فناوری‌های جدید اطلاعاتی
13	A	۱ ۳	برون‌گرایی و نظامی شدن سیاست‌های امارات عربی متحده
14	A	۱ ۴	وجود اختلافات تاریخی و ذهنیت‌های منفی بین ایران و امارات
	A	۱	احداث جزایر مصنوعی توسط امارات در خلیج فارس

	۵	15
تلاش امارات برای کاستن از اهمیت استراتژیکی تنگه هرمز	۱	A
	۶	16
تلاش امارات جهت ایجاد موقعیت ژئوپلیتیکی در منطقه	۱	A
	۷	17
توسعه روابط امارات متحده عربی با ناتو	۱	A
	۸	18
ایدئولوژی ضدایرانی محمد بن زاید	۱	A
	۹	19
برخورداری از برنامه جامع و مدون برای مسائل منطقه‌ای	۲	A
	۰	20
ایجاد حوزه نفوذ در سوریه، عراق و یمن و اختلاف بر سر تحولات منطقه‌ای در این کشورها با ج.ا.ایران	۲	A
	۱	21
تلاش امارات جهت تسلط بر تنگه باب المندب	۲	A
	۲	22
اتحاد راهبردی با عربستان سعودی	۲	A
	۳	23
رصد اطلاعاتی و نظامی ج.ا.ایران	۲	A
	۴	24
برگزاری نمایشگاه و کنفرانس های نظامی - اطلاعاتی	۲	A
	۵	25
برخورداری از موقعیت راهبردی دریایی و تجهیز نیروی دریایی پیشرفته	۲	A
	۶	26
حضور فعال و عضویت در نهادهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین المللی	۲	A
	۷	27
گوناگونی و تنوع منابع درآمد ارزی امارات	۲	A
		28

آسانی قوانین مهاجرت و اشتغال اتباع خارجی در امارات

اخراج شهروندان ایرانی از امارات

۸	A	29
۲	A	30
۹		
۳		
.		

(مأخذ: یافته‌های نگارنده، ۱۴۰۲)

در این پژوهش بعد از شناسایی چالش‌های ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی بر محیط امنیتی ایران از طریق نرم‌افزار، **MI** ماتریس اثرات متقاطع را با استفاده از نظر نخبگان و مدیران اجرایی شکل داده و با دادن امتیازدهی به مؤلفه‌های مورد نظر بر حسب میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنها از صفر تا ۳ امتیازهایی داده شده است. لذا در تحلیل انجام گرفته، ابعاد ماتریس در نرم‌افزار میک مک ۳۰*۳۰ بوده و تعداد تکرارها ۲ بار در نظر گرفته شده است. همچنین تأثیر هر یک از متغیرهای ستون عمودی (تأثیرگذار) بر ستون افقی (تأثیرپذیر) مورد بررسی قرار گرفته است. شاخص پُرشدگی ماتریس نیز ۸۶/۷۷۷ درصد است که این میزان نشان دهنده آن است که بیش از ۸۰ درصد موارد بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند. از مجموع ۷۸۱ رابطه؛ ۱۱۹ رابطه دارای اثرات متقاطع (۰)، ۱۳۴ رابطه دارای اثرات متقاطع (۱)، ۲۰۹ رابطه دارای اثرات متقاطع (۲) و ۴۳۸ رابطه دارای اثرات متقاطع (۳) هستند. این نتایج بیانگر آن است که تعداد روابط با اثرگذاری زیاد نسبت به سایر روابط بیشتر است و روابط با شدت کم، درصد کمی را از مجموع روابط تشکیل داده است.

جدول ۴: تحلیل اولیه داده‌های ماتریس اثرات متقابل

شاخص	ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	صفر	یک	دو	سه	P	جمع	درصد پُرشدگی
مقدار	۳۰*۳۰	۲	۱۱۹	۱۳۴	۲۰۹	۴۳۸	۰	۷۸۱	۸۶/۷۷۷۸

(منبع: محاسبات نگارنده، ۱۴۰۲)

ماتریس این پژوهش بر اساس شاخص‌های آماری با ۲ بار چرخش از مطلوبیت و بهینه-شدگی ۱۰۰ درصد در بخش تأثیرگذاری و ۱۰۰ درصد در بخش تأثیرپذیری برخوردار بوده که حاکی از روایی بالای پرسشنامه و پاسخ‌های آن است.

جدول ۵: درجه مطلوبیت و بهینه‌شدگی ماتریس

محدوده	تأثیر پذیری	تأثیر گذاری	چرخش
کشور امارات متحده عربی	٪۹۸	٪۹۷	۱
	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۲

(منبع: محاسبات نگارنده، ۱۴۰۲)

در ماتریس تحلیل ساختاری، جمع اعداد سطرهای هر متغیر به‌عنوان میزان تأثیرپذیری و جمع ستون‌های هر متغیر میزان تأثیرگذاری آن متغیر را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج تحلیلی این ماتریس، متغیرهای تقویت روابط نظامی- صنعتی با برخی از شرکای مدیترانه‌ای، همراهی امارات با سیاست‌های بین‌المللی آمریکا در منطقه و فشار حداکثری بر ج.ا.ایران، تلاش برای مهار تفکر انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ و گسترش محور مقاومت و برخورداری از برنامه جامع و مدون برای مسائل منطقه‌ای بیشترین تأثیر و متغیر اخراج شهروندان ایرانی از امارات کمترین تأثیر را بر وضعیت چالش‌های ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی بر محیط امنیتی ایران داشته‌اند. همچنین متغیرهای همراهی امارات با سیاست‌های بین‌المللی آمریکا در منطقه و فشار حداکثری بر ج.ا.ایران، تلاش برای مهار تفکر انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ و گسترش محور مقاومت و ایجاد موازنه قدرت در برابر قدرت رو به رشد جمهوری اسلامی ایران بیشترین تأثیرپذیری و متغیر آسانی قوانین مهاجرت و اشتغال اتباع خارجی در امارات کمترین تأثیرپذیری را داشته‌اند. در مرحله بعدی برای به دست آوردن پیشران‌های کلیدی به تحلیل پایداری و ناپایداری سیستم پرداخته می‌شود. در این مرحله، همانگونه که توضیح داده شد، نحوه پراکنش متغیرها وضعیت پایداری و ناپایداری سیستم را تعیین می‌کند.

جدول ۶: میزان اثرگذاری و اثرپذیری عوامل مستقیم و غیرمستقیم

ردیف	متغیرها	اثرات مستقیم		اثرات غیرمستقیم	
		تأثیر پذیری	تأثیر گذاری	تأثیر پذیری	تأثیر گذاری
۱	خرید سلاح‌های جنگی پیشرفته و افزایش توان نظامی امارات متحده	۷۱	۷۴	۲۹۷۹۱۹	۳۱۱۴۴۹
۲	ایجاد پایگاه‌های نظامی واگذاری پایگاه‌های نظامی به آمریکا و	۷۱	۷۵	۳۰۰۴۵۸	۳۰۹۹۷۳

					کشورهای غربی	
۳۲۵۷۹۹	۳۰۳۹۴۸	۷۸	۷۲	A3	انعقاد پیمان‌های دفاعی متقابل برای تقویت روابط با کشورهای خاص	۳
۲۸۲۴۹۸	۳۰۷۴۶۸	۶۶	۷۳	A4	برگزاری مانورها و رزمایش‌های جنگی با رژیم صهیونیستی	۴
۲۴۴۳۸۹	۱۷۳۲۵۰	۵۸	۴۲	A5	ادعاهای واهی امارات در خصوص مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی و اختلافات ارضی امارات عربی متحده با ج.ا. ایران	۵
۳۳۶۶۱۴	۳۰۵۱۱۰	۸۲	۷۳	A6	تقویت روابط نظامی - صنعتی با برخی از شرکای مدیترانه‌ای	۶
۳۰۹۸۹۰	۲۹۰۰۳۳	۷۶	۷۰	A7	عامل عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی	۷
۳۲۵۹۶۳	۳۰۸۷۶۴	۸۲	۷۴	A8	همراهی امارات با سیاست‌های بین‌المللی آمریکا در منطقه و فشار حداکثری بر ج.ا. ایران	۸
۳۳۲۷۱۸	۳۰۹۱۸۵	۸۲	۷۴	A9	تلاش برای مهار تفکر انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ و گسترش محور مقاومت	۹
۳۳۵۶۰۷	۳۱۳۴۵۴	۸۱	۷۵	A10	ایجاد موازنه قدرت در برابر قدرت رو به رشد جمهوری اسلامی ایران	۱۰
۲۷۷۸۳۷	۲۹۰۹۳۰	۶۶	۶۹	A11	دستیابی به نیروی هوایی پیشرفته و جنگ‌دیده	۱۱
۲۸۳۵۶۶	۲۹۷۴۷۷	۶۷	۷۱	A12	حرکت به سوی استفاده از سامانه‌ها و فناوری‌های جدید اطلاعاتی	۱۲
۲۸۳۳۹۹	۲۷۶۴۴۸	۶۸	۶۶	A13	برون‌گرایی و نظامی شدن سیاست‌های امارات عربی متحده	۱۳
۳۰۰۸۳۶	۱۵۷۲۲۳	۷۵	۳۷	A14	وجود اختلافات تاریخی و ذهنیت‌های منفی بین ایران و امارات	۱۴
۱۹۷۲۷۶	۲۰۷۷۶۱	۴۸	۵۱	A15	احداث جزایر مصنوعی توسط امارات در خلیج فارس	۱۵

۲۸۷۳۹۸	۲۴۲۸۷۴	۶۷	۵۸	A16	تلاش امارات برای کاستن از اهمیت استراتژیکی تنگه هرمز	۱۶
۳۲۰۴۷۷	۲۵۹۸۴۸	۷۷	۶۳	A17	تلاش امارات جهت ایجاد موقعیت ژئوپلیتیکی در منطقه	۱۷
۲۹۱۷۹۷	۲۸۸۵۲۲	۷۰	۶۹	A18	توسعه روابط امارات متحده عربی با ناتو	۱۸
۳۳۰۷۳۵	۲۳۸۶۵۸	۸۰	۵۷	A19	ایدئولوژی ضدایرانی محمد بن زاید	۱۹
۳۳۹۵۳۶	۲۷۴۷۵۸	۸۴	۶۶	A20	برخوررداری از برنامه جامع و مدون برای مسائل منطقه‌ای	۲۰
۱۸۳۵۴۷	۲۵۷۹۲۷	۴۳	۶۱	A21	ایجاد حوزه نفوذ در سوریه، عراق و یمن و اختلاف بر سر تحولات منطقه - ای در این کشورها با ج.ا.ایران	۲۱
۲۶۴۴۶۲	۲۸۸۸۶۳	۶۰	۶۹	A22	تلاش امارات جهت تسلط بر تنگه باب المندب	۲۲
۱۷۶۸۸۱	۲۶۷۱۸۵	۴۱	۶۴	A23	اتحاد راهبردی با عربستان سعودی	۲۳
۲۲۶۸۱۴	۲۷۹۶۰۴	۵۲	۶۷	A24	رصد اطلاعاتی و نظامی ج.ا.ایران	۲۴
۱۶۱۹۵۸	۲۶۹۷۰۹	۳۷	۶۵	A25	برگزاری نمایشگاه و کنفرانس های نظامی - اطلاعاتی	۲۵
۱۹۴۲۶۳	۲۹۴۷۴۴	۴۴	۷۱	A26	برخوررداری از موقعیت راهبردی دریایی و تجهیز نیروی دریایی پیشرفته	۲۶
۲۴۸۰۳۶	۲۷۲۲۵۸	۵۸	۶۶	A27	حضور فعال و عضویت در نهادهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین المللی	۲۷
۲۱۶۰۸۵	۱۷۱۸۱۶	۵۱	۴۱	A28	گوناگونی و تنوع منابع درآمد ارزی امارات	۲۸
۸۶۴۵۴	۱۰۰۵۴۸	۲۲	۲۴	A29	آسانی قوانین مهاجرت و اشتغال اتباع خارجی در امارات	۲۹
۹۵۶۰	۱۴۹۰۴۸	۲	۳۶	A30	اخراج شهروندان ایرانی از امارات	۳۰
۱۸۶۶	۱۸۶۶	۱۸۶۶	۱۸۶۶		جمع کل متغیرها	

(منبع: محاسبات نگارنده، ۱۴۰۲)

آنچه از وضعیت صفحه پراکندگی متغیرهای مؤثر بر وضعیت چالش‌های ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی بر محیط امنیتی ایران می‌توان فهمید وضعیت ناپایداری سیستم است. بیشتر متغیرها

در اطراف محور قطری صفحه پراکنده‌اند. به غیر از چند عامل محدود که نشان می‌دهند دارای تأثیرگذاری بالایی در سیستم هستند، بقیه متغیرها از وضعیت تقریباً مشابهی نسبت به یکدیگر برخوردارند. بنا بر آنچه که در قسمت‌های پیشین گفته شد، با توجه به وضعیت ناپایداری سیستم ۵ نوع متغیر شامل: متغیرهای تعیین کننده یا تأثیرگذار، متغیرهای دوجوهی، متغیرهای تنظیمی، متغیرهای تأثیرپذیر یا نتیجه و متغیرهای مستقل در این سیستم قابل شناسایی است.

"متغیرهای تعیین کننده یا تأثیرگذار" به‌عنوان متغیرهای ورودی، اصلی‌ترین متغیرهای تأثیرگذارند که میزان تأثیرپذیری آنها به نسبت تأثیرگذاریشان بسیار کمتر است. آنها در ناحیه شمال غرب صفحه پراکنده قرار دارند و پایداری سیستم نیز به شدت به آنها وابسته است. این متغیرها به‌عنوان متغیرهای کلیدی و تعیین کننده رفتار سیستم محسوب می‌شوند. در بین ۳۰ عامل مورد مطالعه مجموعاً ۲ متغیر جزء متغیرهای تأثیرگذار شناسایی شدند. این عوامل: اتحاد راهبردی با عربستان سعودی (A23)، برگزاری نمایشگاه و کنفرانس‌های نظامی - اطلاعاتی (A25)، به عنوان متغیر تأثیرگذار به دست آمد.

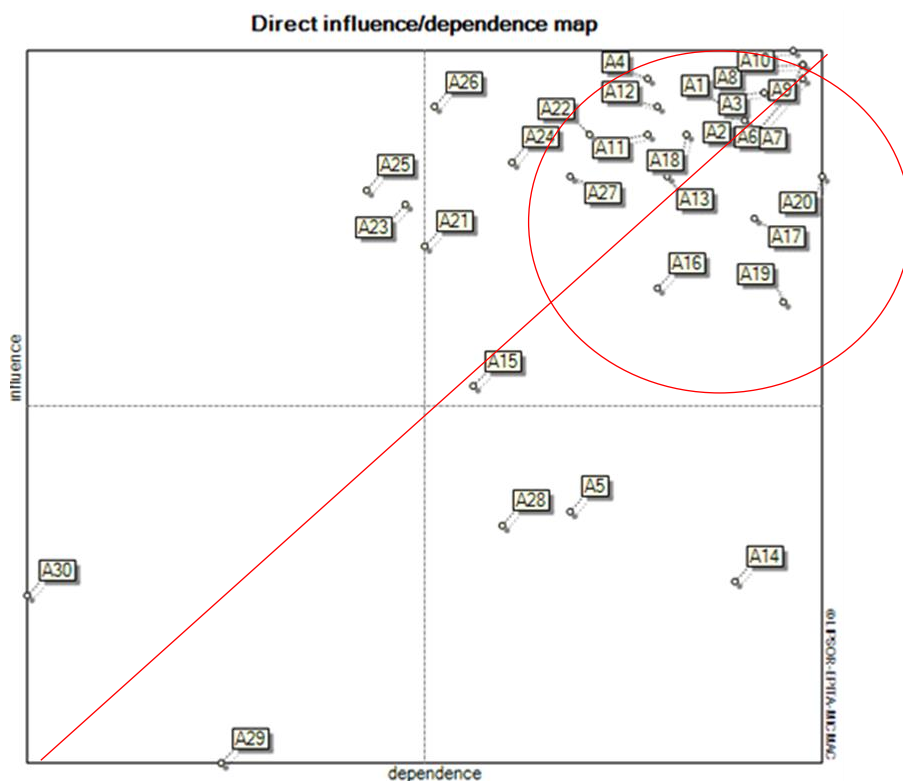
نوع بعدی متغیرها در گراف تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، "متغیرهای دوجوهی" هستند. این متغیرها از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالایی برخوردار هستند و هر عملی بر روی آنها واکنش سایر متغیرها را ایجاد خواهد کرد. این متغیرها را می‌توان به دو دسته متغیرهای ریسک و متغیرهای هدف تقسیم‌بندی نمود. در بین عوامل مورد بررسی مجموعاً ۲۳ متغیر از گروه‌های مختلف جزء متغیرهای دوجوهی شناسایی شدند که ۱۵ متغیر جزو متغیرهای ریسک و ۸ متغیر به‌عنوان متغیرهای هدف انتخاب شدند. عوامل ریسک شامل: خرید سلاح‌های جنگی پیشرفته و افزایش توان نظامی امارات متحده (A1)، ایجاد پایگاه‌های نظامی و آگاهی پایگاه‌های نظامی به آمریکا و کشورهای غربی (A2)، انعقاد پیمان‌های دفاعی متقابل برای تقویت روابط با کشورهای خاص (A3)، برگزاری مانورها و رزمایش‌های جنگی با رژیم صهیونیستی (A4)، همراهی امارات با سیاست‌های بین‌المللی آمریکا در منطقه و فشار حداکثری بر ج.ا.ایران (A8)، ایجاد موازنه قدرت در برابر قدرت رو به رشد جمهوری اسلامی ایران (A10)، دستیابی به نیروی هوایی پیشرفته و جنگ‌دیده (A11)، حرکت به سوی استفاده از سامانه‌ها و فناوری‌های جدید اطلاعاتی (A12)، برون‌گرایی و نظامی شدن سیاست‌های امارات عربی متحده (A13)، توسعه روابط امارات متحده عربی با ناتو (A18)، ایجاد حوزه نفوذ در سوریه، عراق و یمن و اختلاف بر سر تحولات منطقه -

ای در این کشورها با ج.ا.ایران (A21)، تلاش امارات جهت تسلط بر تنگه باب المنذب (A22)، رصد اطلاعاتی و نظامی ج.ا.ایران (A24)، برخورداری از موقعیت راهبردی دریایی و تجهیز نیروی دریایی پیشرفته (A26)، حضور فعال و عضویت در نهادهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین المللی (A27) می‌شوند. همچنین عوامل هدف؛ تقویت روابط نظامی - صنعتی با برخی از شرکای مدیترانه‌ای (A6)، عامل عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی (A7)، تلاش برای مهار تفکر انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ و گسترش محور مقاومت (A9)، احداث جزایر مصنوعی توسط امارات در خلیج فارس (A15)، تلاش امارات برای کاستن از اهمیت استراتژیکی تنگه هرمز (A16)، تلاش امارات جهت ایجاد موقعیت ژئوپلیتیکی در منطقه (A17)، ایدئولوژی ضدایرانی محمد بن زاید (A19)، برخورداری از برنامه جامع و مدون برای مسائل منطقه‌ای (A20) بودند.

"متغیرهای تنظیمی" در اطراف مرکز ثقل نمودار قرار دارند و در برخی مواقع به‌عنوان متغیرهای اهرمی ثانویه (متغیرهای هدف ضعیف و متغیرهای ریسک ضعیف) عمل می‌کنند. در گراف تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عامل احداث جزایر مصنوعی توسط امارات در خلیج فارس (A15) به عنوان متغیر تنظیمی شناخته شده است.

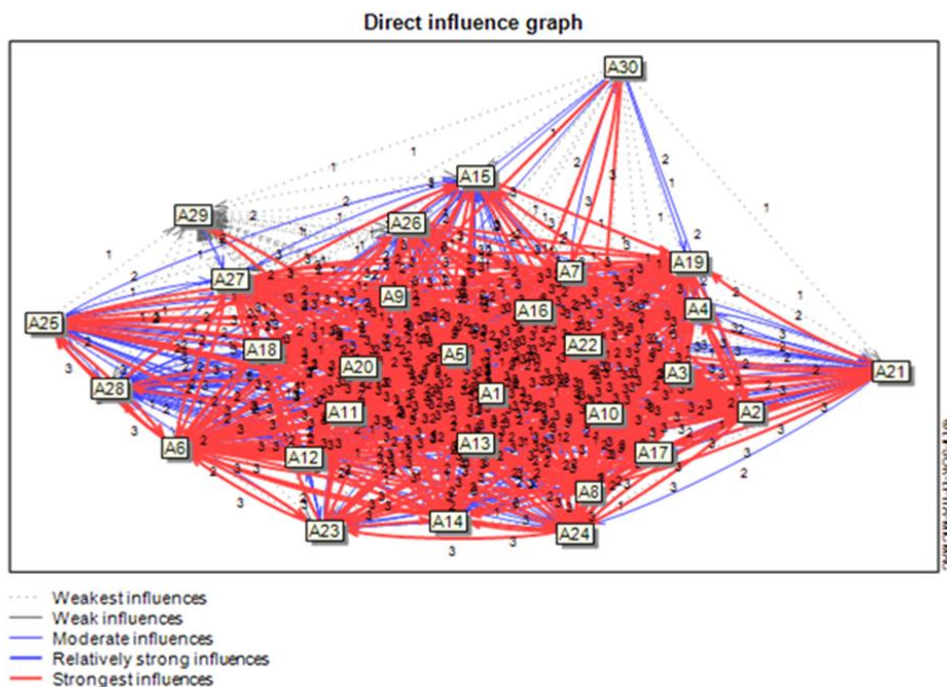
نوع بعدی متغیرهای شناسایی شده، "متغیرهای تأثیرپذیر یا نتیجه" هستند. جایگاه این متغیرها در نمودار، جنوب شرقی پلان تأثیرگذاری - تأثیرپذیری است. این متغیرها دارای تأثیرگذاری بسیار پایین و تأثیرپذیری بسیار بالا هستند. در پژوهش حاضر؛ ادعاهای واهی امارات در خصوص مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی و اختلافات ارضی امارات عربی متحده با ج.ا. ایران (A5)، وجود اختلافات تاریخی و ذهنیت‌های منفی بین ایران و امارات (A14)، گوناگونی و تنوع منابع درآمد ارزی امارات (A28) به عنوان متغیرهای تأثیرپذیر یا نتیجه به دست آمدند.

آخرین متغیرهای شناسایی شده در گراف تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل مورد بررسی، "متغیرهای مستقل" هستند؛ این متغیرها دارای میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی هستند که در قسمت جنوب غربی صفحه پراکنندگی متغیرها قرار گرفته‌اند. در این پژوهش متغیرهای آسانی قوانین مهاجرت و اشتغال اتباع خارجی در امارات (A29)، اخراج شهروندان ایرانی از امارات (A30) متغیرهای مستقل شناسایی شدند. این متغیرها هیچ گونه واکنشی در دیگر متغیرها ایجاد نمی‌کنند.



شکل ۲: پراکنش متغیرها در پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (مستقیم) (مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۲)

چگونگی و نحوه روابط مستقیم هرکدام از متغیرهای شناسایی شده در نرم‌افزار میک‌مک، در پوشش ۱۰۰ درصد مورد تحلیل قرار گرفتند. هر کدام از این پوشش‌ها، روابط ضعیف، میانه و قوی بین متغیرها را نشان می‌دهد. چون پوشش ۱۰۰ درصد تمامی تأثیرات، متغیرها را از بسیار قوی تا بسیار ضعیف نشان می‌دهد، در این قسمت گراف اثرگذاری عوامل با پوشش ۱۰۰ درصد نشان داده می‌شود.



شکل ۳: گراف چرخه اثرگذاری مستقیم با پوشش ۱۰۰ درصد عوامل (مأخذ: یافته‌های نگارنده، ۱۴۰۲)

همانطور که در گراف چرخه اثرگذاری مستقیم قابل مشاهده است، بین متغیرهای چالش‌های ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی بر محیط امنیتی ایران ارتباط بسیار بالایی با درجه قوی برقرار است. بر این اساس، با اتکاء به یافته‌های جداول ۲ تا ۶ و شکل ۲ و ۳، نیروهای پیشران کلیدی به لحاظ تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم به صورت جدول ۷ قابل ارائه خواهد بود.

جدول ۷: رتبه‌بندی متغیرهای کلیدی مؤثر بر چالش‌های ژئوپلیتیکی امارات متحده عربی بر محیط

امنیتی ایران

رتبه بدست آمده		امتیاز نهایی بدست آمده		متغیرها	
		تأثیرگذاری غیرمستقیم	تأثیرگذاری مستقیم		
۱	۱	۴۰۲	۴۰۱	A10	ایجاد موازنه قدرت در برابر قدرت رو به رشد جمهوری اسلامی ایران
۲	۲	۳۹۶	۳۹۶	A8	همراهی امارات با سیاست‌های بین‌المللی آمریکا

					در منطقه و فشار حداکثری بر ج.ا.ایران
۳	۳	۳۹۶	۳۹۶	A9	تلاش برای مهار تفکر انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ و گسترش محور مقاومت
۴	۴	۳۹۴	۳۹۱	A4	برگزاری مانورها و رزمایش‌های جنگی با رژیم صهیونیستی
۵	۵	۳۹۱	۳۹۱	A6	تقویت روابط نظامی - صنعتی با برخی از شرکای مدیران‌های
۶	۶	۳۸۹	۳۸۵	A3	انعقاد پیمان‌های دفاعی متقابل برای تقویت روابط با کشورهای خاص
۷	۷	۳۸۵	۳۸۰	A1	خرید سلاح‌های جنگی پیشرفته و افزایش توان نظامی امارات متحده
۸	۸	۳۸۲	۳۸۰	A2	ایجاد پایگاه‌های نظامی واگذاری پایگاه‌های نظامی به آمریکا و کشورهای غربی
۹	۹	۳۸۱	۳۸۰	A12	حرکت به سوی استفاده از سامانه‌ها و فناوری‌های جدید اطلاعاتی
۱۰	۱۰	۳۷۸	۳۸۰	A26	برخورداری از موقعیت راهبردی دریایی و تجهیز نیروی دریایی پیشرفته
۱۱	۱۱	۳۷۳	۳۷۵	A7	عامل عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی
۱۲	۱۲	۳۷۲	۳۶۹	A11	دستیابی به نیروی هوایی پیشرفته و جنگ‌دیده
۱۳	۱۳	۳۷۰	۳۶۹	A18	توسعه روابط امارات متحده عربی با ناتو
۱۴	۱۴	۳۷۰	۳۶۹	A22	تلاش امارات جهت تسلط بر تنگه باب‌المنذب
۱۵	۱۵	۳۵۸	۳۵۹	A24	رصد اطلاعاتی و نظامی ج.ا.ایران
۱۶	۱۶	۳۵۴	۳۵۳	A13	برون‌گرایی و نظامی شدن سیاست‌های امارات عربی متحده
۱۷	۱۷	۳۵۲	۳۵۳	A20	برخورداری از برنامه جامع و مدون برای مسائل منطقه‌ای
۱۸	۱۸	۳۴۹	۳۵۳	A27	حضور فعال و عضویت در نهادهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین‌المللی
۱۹	۱۹	۳۴۵	۳۴۸	A25	برگزاری نمایشگاه و کنفرانس‌های نظامی - اطلاعاتی

۲۰	۲۰	۳۴۲	۳۴۲	A23	اتحاد راهبردی با عربستان سعودی
۲۱	۲۱	۳۳۳	۳۳۷	A17	تلاش امارات جهت ایجاد موقعیت ژئوپلیتیکی در منطقه
۲۲	۲۲	۳۳۰	۳۲۶	A21	ایجاد حوزه نفوذ در سوریه، عراق و یمن و اختلاف بر سر تحولات منطقه‌ای در این کشورها با ج.ا.ایران
۲۳	۲۳	۳۱۱	۳۱۰	A16	تلاش امارات برای کاستن از اهمیت استراتژیکی تنگه هرمز
۲۴	۲۴	۳۰۶	۳۰۵	A19	ایدئولوژی ضدایرانی محمد بن زاید
۲۵	۲۵	۲۶۶	۲۷۳	A15	احداث جزایر مصنوعی توسط امارات در خلیج فارس
۲۶	۲۶	۲۲۲	۲۲۵	A5	ادعاهای واهی امارات در خصوص مالکیت جزایر سه گانه ایرانی و اختلافات ارضی امارات عربی متحده با ج.ا.ایران
۲۷	۲۷	۲۲۰	۲۱۹	A28	گونگونوی و تنوع منابع درآمد ارزی امارات
۲۸	۲۸	۲۰۱	۱۹۸	A14	وجود اختلافات تاریخی و ذهنیت‌های منفی بین ایران و امارات
۲۹	۲۹	۱۹۱	۱۹۲	A30	اخراج شهروندان ایرانی از امارات
۳۰	۳۰	۱۲۸	۱۲۸	A29	آسانی قوانین مهاجرت و اشتغال اتباع خارجی در امارات

(منبع: محاسبات نگارنده، ۱۴۰۲)

بر حسب ماتریس اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم می‌توان گفت که شاخص A10 (ایجاد موازنه قدرت در برابر قدرت رو به رشد جمهوری اسلامی ایران) در رتبه اول تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A8 (همراهی امارات با سیاست‌های بین‌المللی آمریکا در منطقه و فشار حداکثری بر ج.ا.ایران) در رتبه دوم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A9 (تلاش برای مهار تفکر انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ و گسترش محور مقاومت) در رتبه سوم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A4 (برگزاری مانورها و رزمایش‌های جنگی با رژیم صهیونیستی) در رتبه چهارم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است. شاخص A6 (تقویت روابط نظامی-صنعتی با برخی از شرکای

مدیرانه‌ای) در رتبه پنجم تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم قرار گرفته است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحقیق حاضر با هدف شناسایی چالش‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار امارات متحده عربی بر محیط امنیتی ایران انجام شده است. از آنجا که در راستای شناسایی و تعیین چالش‌های کلیدی مؤثر بر محیط امنیتی ایران با رویکرد آینده پژوهی همچون دیگر رویکردها ابزارهای علمی و منطقی لازم است، در این پژوهش نرم افزار MICMAC، برای انجام تحلیل یافته‌ها انتخاب شده است. بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل ساختاری در نرم افزار MICMAC، ۳۰ عامل به مثابه متغیرها کلیدی برای این تحقیق توسط نخبگان انتخاب شدند. این چالش‌های به ترتیب اولویت شامل ایجاد موازنه قدرت در برابر قدرت رو به رشد جمهوری اسلامی ایران (A10)، همراهی امارات با سیاست‌های بین‌المللی آمریکا در منطقه و فشار حداکثری بر ج.ا.ایران (A8)، تلاش برای مهار تفکر انقلاب اسلامی و جلوگیری از نفوذ و گسترش محور مقاومت (A9)، برگزاری مانورها و رزمایش‌های جنگی با رژیم صهیونیستی (A4)، تقویت روابط نظامی - صنعتی با برخی از شرکای مدیرانه‌ای (A6)، انعقاد پیمان‌های دفاعی متقابل برای تقویت روابط با کشورهای خاص (A3)، خرید سلاح‌های جنگی پیشرفته و افزایش توان نظامی امارات متحده (A1)، ایجاد پایگاه‌های نظامی واگذاری پایگاه‌های نظامی به آمریکا و کشورهای غربی (A2)، حرکت به سوی استفاده از سامانه‌ها و فناوری‌های جدید اطلاعاتی (A12)، برخورداری از موقعیت راهبردی دریایی و تجهیز نیروی دریایی پیشرفته (A26)، عامل عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی (A7)، دستیابی به نیروی هوایی پیشرفته و جنگ‌دیده (A11)، توسعه روابط امارات متحده عربی با ناتو (A18)، تلاش امارات جهت تسلط بر تنگه باب‌المندب (A22)، رصد اطلاعاتی و نظامی ج.ا.ایران (A24)، برون‌گرایی و نظامی شدن سیاست‌های امارات عربی متحده (A13)، برخورداری از برنامه جامع و مدون برای مسائل منطقه‌ای (A20)، حضور فعال و عضویت در نهادهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین‌المللی (A27)، برگزاری نمایشگاه و کنفرانس‌های نظامی - اطلاعاتی (A25)، اتحاد راهبردی با عربستان سعودی (A23)، تلاش امارات جهت موقعیت ژئوپلیتیکی در منطقه (A17)، ایجاد حوزه نفوذ در سوریه، عراق و یمن و اختلاف بر سر تحولات منطقه‌ای در این کشورها با ج.ا.ایران (A21)، تلاش امارات برای کاستن از اهمیت استراتژیکی تنگه هرمز (A16)، ایدئولوژی

ضدایرانی محمد بن زاید (A19)، احداث جزایر مصنوعی توسط امارات در خلیج فارس (A15)، ادعاهای واهی امارات در خصوص مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی و اختلافات ارضی امارات عربی متحده با ج.ا. ایران (A5)، گوناگونی و تنوع منابع درآمد ارزی امارات (A28)، وجود اختلافات تاریخی و ذهنیت‌های منفی بین ایران و امارات (A14)، اخراج شهروندان ایرانی از امارات (A30)، آسانی قوانین مهاجرت و اشتغال اتباع خارجی در امارات (A29)، بدست آمدند.

بنابراین، بر پایه چالش‌های ژئوپلیتیکی شناسایی شده کشور امارات متحده عربی به واسطه موقعیت جغرافیایی که در نزدیکی مرزهای جمهوری اسلامی ایران دارد و از سوی دیگر مناسباتی که با کشورهای دشمن جمهوری اسلامی دارد، زمینه شکل‌گیری این چالش‌های ژئوپلیتیکی برای این کشور در منطقه خلیج فارس شده است که تهدیدی جدی برای آینده جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که نیاز است مسئولان لشگری و کشوری در این زمینه تدابیری بیاندیشند تا بتوان این چالش‌ها را کنترل و کمرنگ ساخت. در این راستا چند پیشنهاد ارائه می‌شود؛

۱. استفاده از ظرفیت‌های قدرت نرم رسانه‌ای و فرهنگی در منطقه خلیج فارس و کشورهای جنوبی این حوزه تحت عنوان دیپلماسی عمومی و جهت دادن افکار عمومی جوامع این کشورها به منظور فشار وارد کردن به دولت مردان و ایجاد فاصله بین این کشورها و رژیم صهیونیستی می‌تواند اهداف امنیتی و قدرت نرم جمهوری اسلامی را بهتر محقق سازد.

۲. جمهوری اسلامی ایران باید از طریق مذاکره فعالیت‌های ناتو و آمریکا در کشور آمریکا را کمرنگ نماید و کنترل کند زیرا برای آینده ایران در منطقه خلیج فارس تهدید ایجاد خواهد کرد.

۳. ج.ا.ایران باید از طریق ائتلاف‌سازی در منطقه خلیج فارس همکاری امارات متحده عربی با رژیم صهیونیستی را کنترل نماید.

۴. ج.ا.ایران باید از طریق عربستان که اتحادی راهبردی‌تر با امارات دارد با ایجاد مذاکره زمینه مناسبات بر پایه همکاری و همگرایی را در منطقه خلیج فارس ایجاد نماید زیرا می‌تواند از ایجاد تنش و جنگ در این منطقه جلوگیری نماید.

منابع

- اختیاری امیری، رضا؛ رشیدی، احمد و سلطانیان، عبدالله (۱۳۹۹). ائتلاف دوفاکتو عربی-عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۹(۱)، ۱۰۱-۱۲۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). تحلیل محیط امنیتی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- آقایی، سید داود و نورعلی‌وند، یاسر (۱۳۹۸). محیط امنیتی و سیاستگذاری خارجی و امنیتی؛ ارائه یک الگوی تحلیلی، مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۹(۳۳)، ۲-۲۲.
- امینیان، بهادر (۱۳۹۰). محیط امنیتی ایران و تحولات بیداری اسلامی، آفاق امنیت، ۴(۱۳)، ۵-۱۷.
- باباغبی ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹). آینده پژوهی؛ رهیافتی نو در مدیریت جامع حمل و نقل شهری، مطالعات مدیریت ترافیک، ۵(۱۶)، ۱۰۰-۱۷۷.
- باقری، حسین؛ اسلامی، روح الله (۱۳۹۳). توانمندی نظامی امارات عربی متحده و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا. ایران، مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۳(۷۷)، ۷۲-۳۳.
- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۲). استراتژی «موازنه تهدید» و امنیت دولت‌های اسلامی منطقه خاورمیانه، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۲(۷)، ۳۴-۱۱.
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۲). ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه، تهران: نشر دانشگاه امام صادق.
- سازمند، بهاره؛ عظیمی، ابوالفضل و نظری، علی اکبر (۱۳۸۹). نظریه موازنه قدرت والتز: نقد و بررسی کارآمدی آن در عصر حاضر، روابط خارجی، ۲(۴)، ۲۷۴-۲۵۱.
- سوداگر، هاشم؛ امیری، علی نقی و امامی، سید مجتبی (۱۳۹۷). واکاوی و تحلیل مفهوم خط مشی عمومی: ماهیت، صفات و غایت، مدیریت دولتی، ۱۰(۴)، ۵۰۶-۵۲۸.
- صفایی‌پور، مسعود و شنبه‌پور مادون، فرشته (۱۳۹۹). تحلیل ساختاری توسعه شهری کلانشهر اهواز با رویکرد آینده پژوهی، مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۱(۲)، ۱۷-۱.
- لیتل، ریچارد (۱۳۹۸). تحول در نظریه‌های موازنه قوا، ترجمه غلامعلی چگینی زاده، تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰). تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئولیبرالیستی، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۱)، ۱۵۸-۱۳۱.

Bhattacharya, Prabir (2021). "India in the Rise of Britain and Eurpoe: A Contribution to the Convergence and Great Divergence Debates", Journal of Interdisciplinary Economics, 33. No 1 (2021): 24-53.

- Buzan, B. (1991), *People, States and Fear: An Agenda for International Exile*, New York, Palgrave.
- Harkov, L. (2020), The peace treaties between the UAE, Bahrain and Israel are signed. *The Jerusalem Post*, <https://www.jpost.com/middle-east/israel-uae-bahrain-siggame-changing-normalization-deal-watch-live-642368>.
- Hobden, S. & Wyn Jones, R. (2001), *Marxist Theories of International relations*, second edition. OXFORD UNIVERSITY PRESS.
- Keller, E.J. (1997), *Rethinking African Regional Security, Regional Orders*.
- Kerr, S. & Srivastava, M. (2018), Netanyahu in first Israeli state visit to Oman since 1996, *Financial Times*. <https://www.ft.com/content/427ab8c8-d944-11e8-ab8e-6be0dcf18713>.
- Paul, T.V., Wirtz, James J., and Fortmann, Michel. (2004), *Balance of power: theory and practice in the 21st century*, Stanford, California, Stanford University Press .
- Rehman, A. U. (2020), Causes behind the Abraham Accord and its consequences for the Peace Process in the Middle East, *The Middle East International Journal for Social Sciences*, Vol 2, No 2:pp73-83.
- Turton, A.R. (2001), *A Hydropolitical Security Complex and its Relevance to Security Studies in the Post-Cold War Era*, Second Edition, New York
- Walt, S. (1988), *The Origins of Alliances*, London; Rutledge.
- Waltz, K. N. (1979), *Theory of International Politics*, New York: McGraw-Hill Publishing Company .
- Zakaria, F. (2003), *Liberal Democracy at Home and Abroad*, New Norton Press.